معرفی کتاب

نقش و رسالت زن - ۱

عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی – اسلامی

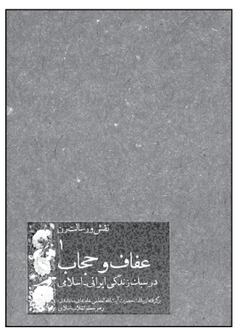

این کتاب حاوی گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره موضوع عفاف و حجاب در سبک زندگی اسلامی است که مطالب آن در پنج فصل و با عناوین عفت و حیا، روابط زن و مرد، حجاب، کشف حجاب و بی‌بندوباری و روش برخورد با بی‌بندوباری ارائه شده است. کتاب حاضر در ۱۴۹ صفحه و با قیمت ۷۰۰۰ تومان توسط انتشارات انقلاب اسلامی در بهار ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است.

نقش و رسالت زن - ۲

الگوی زن

کتاب حاضر برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب و دومین کتاب از مجموعه نقش و رسالت زن است که در ۱۵۰ صفحه با قیمت ۷۰۰۰ تومان توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است. در این کتاب در ده فصل مجزا درباره الگوی زن مسلمان به ارائه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره زن پرداخته شده است. نکته قابل توجه در کتاب استفاده از سخنرانی‌های منتشر نشده رهبری در مورد مسئله زن است.

نقش و رسالت زن - ۳

زن و خانواده

کتاب حاضر برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری و سومین کتاب از مجموعه نقش و رسالت زن است که توسط انتشارات انقلاب اسلامی در ۱۵۲ صفحه با قیمت ۷۰۰۰ تومان منتشر شده است.

این کتاب حاوی گزیده‌ای از بیانات رهبری درباره موضوع زن و خانواده است که مطالب آن در پنج فصل و با عناوین «زن و ازدواج»، «جایگاه زن در خانواده» «اهمیت خانواده»، «حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده» و «محبت و عواطف زن و شوهر» گردآوری و تنظیم شده است.

نقش و رسالت زن - ۴

جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد

کتاب حاضر که برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص زن در جامعه اسلامی است که چهارمین جلد از مجموعه نقش و رسالت زن محسوب می‌شود که توسط انتشارات انقلاب اسلامی در ۲۳۸ صفحه منتشر شده است. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است. در این کتاب با ارائه موضوعی و عنوان سخنان رهبری در سه فصل، اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان، زن در فرهنگ غرب، منزلت و جایگاه زن در اندیشه اسلامی، می‌توان با ریشه‌یابی مسائل زنان، تفاوت نگاه غرب و نگاه اسلام را در موضوع زن بازشناسی کرد.»

این کتاب در بهار ۹۳ با قیمت ۸۵۰۰ تومان به بازار عرضه شده است.

آموزش مصور احکام

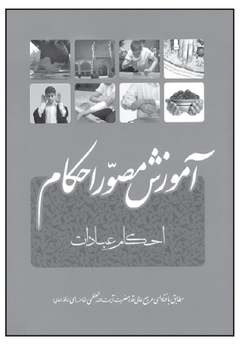

فراگیری تکالیف شرعی و احکام اسلامی در زوایای مختلف زندگی - به ویژه اموری که همه روزه با آن سر و کار داریم - یک ضرورت و وظیفه دینی برای عمل است؛ عملی که ضامن سعادت، جلب رحمت الهی و کامیابی دنیوی و اخروی است.

از این رو کاربرد روش‌های نو و جاذبه‌های نوشتاری و هنری در عرضه مسائل مورد نیاز، برای یادگیری «بایدها و نبایدهای عملی»، بیش از دیگر امور اهمیت دارد.

کتاب «آموزش مصور احکام» شامل احکام فقهی در موضوع عبادات مطابق با فتاوای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی) است که به کوشش موسسه اطلس تاریخ شیعه تهیه و تنظیم شده و از سوی نشر فقه روز وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی به قیمت ۱۸۰۰۰ تومان در ۴۳۱ صفحه عرضه می‌شود.

آموزش مصور احکام مجموعه مسائل و استفتائات پیرامون احکام تکلیف، طهارت، وضو، غسل، تیمم، نماز، مسجد و روزه است که با استفاده از تصاویر و با رویکرد آموزشی در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

این کتاب دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است که به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱- بهره‌وری از منابع دست اول
۲- غنی‌سازی مسائل و استفتائات
۳- روان‌سازی متن
۴- استفاده از داستان‌های اخلاقی و نکته‌های آموزنده و علمی
۵- ارائه قانون کلی
۶- تصاویر آموزشی و نمودارهای کاربردی
۷- طراحی شایسته
۸ - پیوندها
۹- خلاصه فصل
۱۰- فرهنگ اصطلاحات و لغات

شایان ذکر است که دفتر استفتائات معظم‌له این رساله را مورد تایید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

علاقه‌مندان برای تهیه کتاب‌های معرفی شده می‌توانند با شماره تلفن ۶۶۴۸۳۹۷۵ تماس حاصل نمایند.

اصول قرآنی همدلی و همزبانی

■ علی جواهردهی

همزبانی برخاسته از همدلی است. همدلی زمانی پدیدار می‌شود که عقیده و هدف، یکی باشد. هر چند که همدلی از همزبانی بهتر است، ولی اگر همدلی با همزبانی همراه شود، موفقیت‌های بهتری نصیب همدلان همزبان خواهد شد. نویسنده در مطلب حاضر اصول قرآنی همدلی و همزبانی را بیان کرده است.

همدلی در وحدت عقیده و هدف

آموزه‌های قرآنی ساختار امت را بر وحدت عقیده و هدف دانسته است و گاه فراتر از امت اسلام از همه معتقدان به شرایع اسلامی از یهود و نصاری می‌خواهد تا بر محور عقیده و هدف مشترک گرد آیند و همدل و همزبان در مسیر گسترش آئین توحیدی همکاری داشته باشند. خداوند در آیه ۶۴ سوره آل عمران می‌فرماید: قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمهٔ سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولو اشهدوا بانا مسلمون؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر از این پیشنهاد اعراض کردند، بگوئید: «شاهد باشید که ما مسلمانیم نه شما.»

امت، مشتق از ام (مادر) در مفهوم قرآنی به گروهی اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین، زمان یا مکان واحد داشته باشند؛ خواه این اشتراک اختیاری یا غیر اختیاری باشد (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ذیل واژه ام) بنابراین امت اسلام به گروهی اطلاق می‌شود که از نظر مشترکات دینی، هم عقیده هستند. البته هر چه بیشتر مشترکات، بیشتر و قوی‌تر باشد به همان میزان می‌توان گفت که امت بودن آن مردم نیز قوی‌تر و شدیدتر خواهد بود؛ پس شدت و ضعف امتی نسبت به امت دیگر به همان دامنه مشترکات و قوت آنها بستگی دارد.

براساس آموزه‌های قرآنی تحقق امت همدل و همزبان زمانی شکل می‌گیرد که اصولی در بخش علمی و عملی مراعات شود.

الف: اصول علمی همدلی و همزبانی عبارتند از:

۱. عقیده واحد: از مهمترین عوامل همدلی، عقیده واحد است. هر گاه قلب و دل دو نفر به امری گرایش یافت، به هم نزدیک می‌شوند و تقرب معنوی می‌یابند. تقرب معنوی افراد غیر متجانس را گرد هم می‌آورد. قرآن بارها بیان کرده که پیوند برادری که براساس معنویت و عقیده شکل می‌گیرد بسیار قوی‌تر و ریشه‌دارتر از برادری خونی و نسبی است. امت اسلام که از نژادها، قبایل و اقوام و گروه‌های انسانی در عرض و طول جغرافیایی زمین شکل گرفته، خودگواهی روشن بر این مدعاست که عقیده، مهمترین امری است که افراد گوناگون از نظر نژاد، خون، رنگ و جنس و مانند آنها را گرد هم آورده و یک امت را تشکیل می‌دهد. انس و الفتی که از راه عقیده میان افراد انسانی پدید می‌آید را نمی‌توان با هیچ امر دیگری ایجاد کرد. خداوند در این باره می‌فرماید: و الف بین قلوبهم لو انفقت ما فی‌الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم؛ و میان دلهایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دلهایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است. (انفال، آیه ۶۳).

۲. هدف واحد: از مهمترین عوامل پیدایش همدلی، اشتراک در هدف است. همان طوری که عقیده واحد در حوزه بینش‌ها موجب می‌شود تا انسان‌ها با همه اختلافات ظاهری، غریزی، طبیعی و مانند آنها گرد هم آیند، همچنین هدف مشترک عامل مهمی در همدلی افراد است. این که همه یک هدف و مقصد را بپذیرند و به سمت آن حرکت کنند، موجب می‌شود، همدلی و پیوندی مستحکم و استوار میان افراد گوناگون از همه جناح‌ها پدید آید. هدف مشترک، سبب می‌شود تا اختلافات کنار نهاده شود و به جای آن صلح و صفا و صمیمیت میان افراد هم هدف پدید آید.

۳. روش واحد: روش واحد یکی دیگر از عوامل تحقق همدلی است. البته عامل عقیده و هدف واحد نقش اساسی‌تر و بنیادی‌تری نسبت به روش واحد دارد؛ زیرا آنچه اصل است اشتراک در عقیده و هدف است؛ اما اگر روش نیز مشترک باشد، به طور طبیعی موجبات همدلی بیشتر و شدیدتری را فراهم می‌آورد. در آیات قرآن از جمله آیه ۲۱۳ سوره بقره به نقش اشتراک روش نیز اشاره شده است.

ب: اصول عملی همدلی و همزبانی عبارتند از:

۱. نیت خیر و حسن فاعلی: برای اینکه همدلی از دایره ذهنی و عملی به حوزه عزم و اراده و عمل درآید، باید اموری از جمله نیت خیر و حسن فاعلی تحقق یابد. به این معنا که شخص در مقام عمل نیز نیت خیر داشته باشد و آنچه را باور دارد در مقام عمل براساس آن، رفتار کند. فاعل و کننده کار خیر باید نیت خیر و نیک داشته باشد تا همدلی واقعی تحقق یابد. در آیات قرآن از جمله آیه ۱۰ سوره فاطر به آن اشاره شده است.

۲. عمل خیر و حسن فعلی: چنانکه گفته شد عمل نیک یا همان حسن فعلی موجب افزایش همدلی است. اگر افراد جامعه کار خیری انجام دهند، با هم نزدیک می‌شوند و دل‌های آنان با هم پیوند می‌خورد؛ البته چنانکه از آیه ۱۰ سوره فاطر بر می‌آید باید حسن فعل و کار خیر با حسن فاعلی و نیت خوب فاعل آن همراه شود تا تأثیر بیشتری داشته باشد.

*** آنچه اصل است اشتراک در عقیده و هدف است؛ اما اگر روش نیز مشترک باشد، به طور طبیعی موجبات همدلی بیشتر و شدیدتری را فراهم می‌آورد.**

***

۳. حسن ظن و پرهیز از بدگمانی: بدگمانی عامل تشدید اختلاف است؛ برای آنکه همدلی میان افراد جامعه پدید آید و تقویت شود باید به جای بدگمانی حسن ظن و خوش گمانی جایگزین شود. در آیات قرآن بر این مطلب تأکید شده است که از هرگونه بدگمانی نسبت به یکدیگر پرهیز کنید و اعمال و رفتار یکدیگر را بر وجه نیک و درست آن حمل کنید و تا می‌توانید تفسیر صحیح و مشروعی برای رفتار و اعمال دیگران ارائه دهید. (حجرات، آیه ۱۲)

۴. حسن خلق: خوشخویی و حسن خلق از دیگر عوامل همدلی است. انسان‌هایی که دارای حسن خلق هستند مردم را به سوی خویش جلب می‌کنند.

۵. عدل و انصاف: از دیگر اموری که همدلی را موجب می‌شود، مراعات عدل و انصاف است. انصاف که نوعی اکرام است نادیده گرفتن برخی از حقوق خویش و ایثار برای جلب رضایت دیگران است. اگر افراد جامعه فراتر از عدل، با انصاف با دیگران رفتار کنند، جامعه‌ای همدل ایجاد می‌شود و انسانها به یکدیگر گرایش بیشتری می‌یابند. عدالت و انصاف از نظر آموزه‌های قرآنی موجب قوام جامعه و پرهیز از هرگونه عوامل تنش‌زا و اختلاف برانگیز است. (مائده، آیه ۸؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ نحل، آیه ۹۰؛ حدید، آیه ۲۵).

۶- تعاون: خداوند در آیاتی از جمله آیه ۲سوره مائده بر تعاون و همکاری بویژه در حوزه نیکی و تقوا تاکید می‌کند. اصولا کسانی که همدل هستند بر آن هستند تا در یک چارچوب همکاری، اهداف مشترک را برآورده سازند و موفقیت جمعی را برای هم رقم زنند.

۷- تفاهم بیانی و زبانی: تفاهم بیانی به معنای درک مشترک از امور است. برخی از افراد واژگان مشترکی را به کار می‌برند در حالی که تنها اشتراک لفظی وجود دارد؛ به عنوان نمونه هر دو از حقوق بشر و آزادی سخن می‌گویند، ولی درک مشترکی از مفهوم آنها ندارند؛ زیرا یکی آزادی را به معنای بی‌مبالاتی و برآوردن نیازهای شهوانی و طبیعی و غریزی و هواهای نفسانی می‌داند و آن دیگری از آن، مفهوم والاتری در نظر دارد که رهایی انسان از هر گونه عامل بازدارنده و مقیدکننده انسانیت است.

از نظر چنین شخصی رهایی از هواهای نفسانی و مدیریت آن عین آزادی است. بنابر این تفاهم بیانی و سپس زبانی نقش مهمی در همدلی افراد خواهد داشت. تفاهم در مفاهیم و سپس ارائه آن در قالب مشترک زبانی و واژگانی می‌تواند همدلی را افزایش دهد. در قرآن به اشکال مختلف از تحریف معنوی و تغییر کلمات سخن به میان آمده است، رویه‌ای که برخی برای ایجاد اختلاف و یا تحقق اهداف شوم خود بهره می‌گیرند. (نساء، آیه ۶۴؛ مائده، آیات ۱۳ و ۴۱) اختلاف زبانی می‌تواند آثار بدی را به دنبال داشته باشد و موجب درگیری و خصومت بی معنا شود؛ از همین رو از کاربرد هر گونه واژگان و اصطلاحاتی که سبب تضعیف یا نابودی همدلی شود پرهیز داده شده است. (بقره، آیه ۱۰۴)

همزبانی اوج همدلی

هر چند که همدلی به معنای وحدت در عقیده و هدف در میان گروه های مختلف انسانی است و این به تنهایی می‌تواند افراد غیر متجانس و متضاد و متناقض را در کنار هم‌گرد آورد و پیوند زند، اما باید توجه داشت که امت اگر فراتر از همدلی بتواند همزبان نیز باشد به همان میزان نیز همدلی او افزایش می‌یابد.

اگر اتفاق و اتحاد و همدلی باطنی بخواهد باقی و برقرار باشد باید این همدلی به همزبانی تبدیل شود و همه کسانی که عقیده و هدف مشترکی دارند یک زبان برای بیان عقیده و هدف خویش برگزینند.

البته همدلی اساس است و همزبانی فرع؛ چرا که ممکن است که برخی همزبانی ظاهری داشته باشند. ولی همدلی نداشته باشند. کسانی که همدل هستند در نهایت به زبان مشترک دست خواهند یافت، ولی کسانی که همزبان هستند کمتر اتفاق می‌افتد که به همدلی دست یابند؛ زیرا همدلی در حوزه عقیده و ایمان و امور باطنی و اساسی است در حالی همزبانی در حقیقت در حوزه ظاهر و روش و اجرا است.

مولوی همزبانی ظاهری را ارزش اساسی نمی‌داند و اساس و پایه را برهمدلی می‌گذارد و می‌سراید:

چون سلیمان را سراپرده زدند
جمله مرغانش به خدمت آمدند
هم‌زبان و محرم خود یافتند
پیش او یک یک به جان بشتافتند
جمله مرغان ترک کرده چیک چیک
با سلیمان گشته افصح من اخیک
همزبانی خویشی و پیوندی است
مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک همزبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست
همدلی از همزبانی بهترست

پس اصل آن است که این همدلی با همزبانی همراه شود؛ زیرا در این صورت است که هر گونه اختلاف و جنگ و جدل از میان می‌رود و به جای آن صلح و صفا می‌آید و امید دشمنان به نومیدی بدل می‌شود؛ زیرا در جایی که همدلی و همزبانی باشد، دشمن راهی برای رخنه نمی یابد تا پیوندها را بشکند و گسست میان انسانها پدید آورد. بنابر این همدلی باید به همزبانی تبدیل شود و اینکه همزبانی اوج همدلی و تقویت‌کننده آن است.

*** از مهمترین عوامل پیدایش همدلی، اشتراک در هدف است. همان طوری که عقیده واحد در حوزه بینش‌ها موجب می‌شود تا انسان‌ها با همه اختلافات ظاهری، غریزی، طبیعی و مانند آنها گرد هم آیند، همچنین هدف مشترک عامل مهمی در همدلی افراد است.**

*** بدگمانی عامل تشدید اختلاف است؛ برای آنکه همدلی میان افراد جامعه پدید آید و تقویت شود باید به جای بدگمانی حسن ظن و خوش گمانی جایگزین شود. در آیات قرآن بر این مطلب تأکید شده است که از هرگونه بدگمانی نسبت به یکدیگر پرهیز کنید و اعمال و رفتار یکدیگر را بر وجه نیک و درست آن حمل کنید و تا می‌توانید تفسیر صحیح و مشروعی برای رفتار و اعمال دیگران ارائه دهید.**

۶ صورت نورانی که انسان را در قبر همراهی می‌کند

■ آیت الله جوادی آملی

از نمونه‌های ادب در نماز، که طی حدیث شریفی از رسول خدا(ص) بیان شده این است: «مَنِ اتَّقَی عَلَی ثَوْبِهِ فِی صَلَاتِهِ فَلَیْسَ لِلّهِ اکْتَسَی» کسی که دو لباس تمیز و مندرس دارد و در نماز از لباس‌های مندرس و کهنه خود استفاده می‌کند او برای خدا لباس نپوشیده، برای خلق خدا لباس می‌پوشد، یا اگر لباس تمیز پوشیده ولی برای اینکه لباسش غبار نگیرد و آلوده نشود نماز را به تأخیر می‌اندازد یا (معاذالله) نمی‌خواند، معلوم می‌شود او برای خدا لباس نپوشیده است. خداوند می‌فرماید: یَا بَنِی آدَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ؛ای فرزندان آدم! زیورهای خویش را به هنگام عبادت برگیرید.

برزخ همان عالم قبر است

از معصوم(ع) سؤال می‌کنند که برزخ از کجا شروع می‌شود؟ می‌فرماید: «منذ القبر» لحظه‌ای که انسان وارد قبر می‌شود وارد برزخ شده است. آنچه به عالم مثال برمی‌گردد انسان در برزخ آن را می‌بیند اما باطن عقلی عبادات را در مافوق برزخ می‌بیند.

ابوبصیر که از شاگردان معروف امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است نقل می‌کند:

«اذا ماتَ عَبدُ المُؤمِنِ دَخَلَ مَعَهُ فِی قَبرِهِ سِتَّةُ صُوَر...» وقتی بنده مؤمن از دنیا رفت، ۶ صورت نورانی به همراه او وارد برزخ و قبر می‌شوند، این ۶ صورت، او را از آسیب‌ها از ۶ جهت محافظت می‌کنند، آن کس که طرف راست این بنده مؤمن قرار گرفته در معرفی خود می‌گوید: من نمازم.

باطن نماز یعنی همین صورت نورانی که در قبر، طرف راست نمازگزار قرار می‌گیرد و می‌توان او را در برزخ دید و با او سخن گفت و از او شفاعت طلبید، نماز نمونه است، همه عبادات بر همین منوال است.

سپس آن صورتی که طرف چپ او قرار گرفته می‌گوید: من زکات هستم. زکات تنها مربوط به مال نیست بلکه انسان موظف است زکات هر نعمت خدادادی را بپردازد، هیچ نعمتی بی‌مسئولیت نیست، در روایات آمده است: «زَکَاةُ الْعِلْمِ تَعْلِیمُهُ مَنْ لَا یَعْلَمُه»: زکات دانش، آموختن آن به کسانی است که نمی‌دانند. «زکاةُ الجمالِ العِفافُ» زکات نعمت زیبارویی عفت و پاکدامنی است. «زکاةُ الشّجاعَةُ الجهاد فی سبیل الله»زکات نعمت شجاعت، جهاد در راه خداست و ... .

همه اینها از مصادیق زکات است و اگر زکات نعمت پرداخته زکات به صورت نورانی در قبر به پرداخت‌کننده خود کمک می‌کند و او رااز آسیب و حادثه محافظت می‌کند.

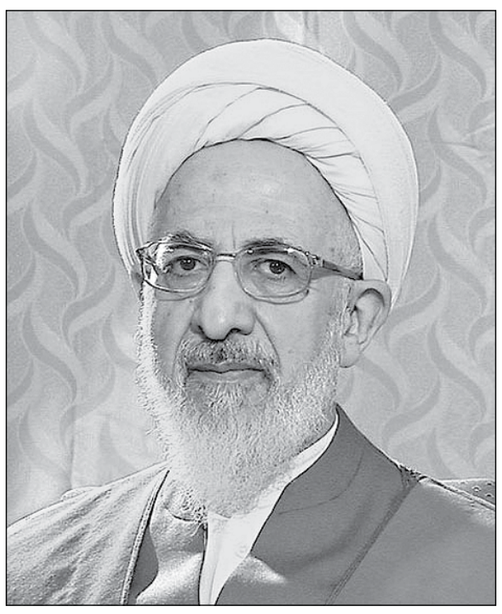

*** زکات تنها مربوط به مال نیست، بلکه انسان موظف است زکات هر نعمت خدادادی را بپردازد، هیچ نعمتی بی‌مسئولیت نیست، در روایات آمده است: زکات دانش، آموختن آن به کسانی است که نمی‌دانند. زکات نعمت زیبارویی، عفت و پاکدامنی است.زکات نعمت شجاعت، جهاد در راه خداست و ... .**

صورتی که در قبر روبروی بنده مؤمن ایستاده می‌گوید من روزه هستم، سرّ مثالی روزه‌ای که برای رضای خدا گرفته می‌شود به صورت شخصی نورانی در قبر جلوه می‌کند و آن صورت نورانی که پشت سر او است و از پشت، وی را حمایت می‌کند می‌گوید من حج و عمره هستم.

در مراسم حج، امام سجاد(ع) در صحرای عرفات به شخصی فرمودند: تعداد حاجیان را چقدر تخمین می‌زنی؟ راوی رقم زیادی را گفت، سپس عرض کرد: حاجیانی که برای خدا از ثروت خود گذشتند و با ضجه و ناله خدا را می‌خوانند. امام فرمود: چقدر ضجه و ناله فراوان است و حاجی کم! گفت: همه حاجی هستند آیا این تعداد کم است؟ آنگاه حضرت، باطن افراد را به وی نشان داد دید سرزمین وسیع عرفات پر است از خوک و بوزینه! و در بین اینها تنها چند نفر انسان هستند.

*** هر کس باطنی دارد که با باطن اعمال او متحد است؛ عامل با عمل خود متحد است و هر کس با نیت خود محشور می‌شود، امام صادق(ع)فرمود: «یَحْشُرُ النّاسَ عَلَی نِیّاتِهِمْ» امامان معصوم(ع) باطن افراد را می‌بینند و احیاناً به دیگران هم نشان می‌دهند.**

***

تشنه اهل بیت(ع) باشیم

هر کس باطنی دارد که با باطن اعمال او متحد است؛ عامل با عمل خود متحد است و هر کس با نیت خود محشور می‌شود، امام صادق(ع) فرمود: «یَحْشُرُ النّاسَ عَلَی نِیّاتِهِمْ» امامان معصوم(ع) باطن افراد را می‌بینند و احیاناً به دیگران هم نشان می‌دهند.

اما آن نوری که پایین پای اوست می‌گوید: من نیکی‌هائی هستم که تو به برادران مؤمن روا داشتی، خیری که به دیگران رساندی. آنگاه این پنج نفر که خود را معرفی کردند از آن کس که بالای سر مؤمن ایستاده سؤال می‌کنند که تو کیستی که از همه ما نورانی‌تر هستی؟ می‌گوید: من ولایت خاندان پیغمبرم، محبت علی و اولاد علی به این صورت جلوه می‌کند، پیروی از آنها به این شکل مجسم می‌شود که از همه نورانی‌تر است و بالای سر مؤمن بر او اشراف دارد. وقتی انسان تشنه اهل بیت(ع) بود نه علاقه‌مند صوری، با آنها محشور می‌شود.

(از:فارس)

چراغ راه

جایگاه شناخت نفس

قال‌الباقر(ع): لامعرفه کمعرفتک بنفسک.

امام باقر(ع) فرمود: هیچ شناختی همچون شناخت نفس خودت نیست.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۲۰۸

حکایت خوبان

شرط قبول دعوت

یکی از یاران امام‌علی(ع) به نام حارث اعور می‌گوید: روزی به خدمت آن حضرت رسیدم و گفتم یا علی! دوست دارم به من افتخار دهید و به خانه من بیایید و غذایی میل کنید، حضرت علی(ع) فرمود: به شرطی می‌آیم که به سبب آمدن من، خود را به زحمت و مشقت نیندازی و به همان غذای موجود در خانه قناعت کنی! حارث پذیرفت و امیرمؤمنان به خانه او رفت و با غذایی کم که موجود بود ناهار را صرف کرد.[1]

۱- سفینه‌البحار، ج۱، ص۲۳۸

پرسش و پاسخ

تفکر سلفی‌گری

پرسش:

تضادهای درونی دیدگاه سلفیه چگونه است و این تفکر توسط چه کسانی مجددا احیا گردید؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مفهوم سلفیه در لغت و اصطلاح و خاستگاه فکری سلفیه اشاره کردیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم:

تضاد معتقدان به سلف صالح با روش معتزله

معتزله در تبیین عقاید اسلامی از فلاسفه‌ای بهره می‌بردند که آنان نیز به نوبه خود افکارشان را از منطق یونان اقتباس می‌کردند. تصاویری که از احمدبن‌حنبل در منابع مختلف ارائه شده، وی را محدثی سنت‌گرا و ضد فقاهت و اجتهاد نشان می‌دهد که از تمسک به رای تبری می‌جسته و تنها به قرآن و حدیث استدلال می‌کرده است و چون در استناد به حدیث بسیار مبالغه می‌نموده، گروهی از بزرگان اسلام، مانند محمدبن‌جریر طبری و محمدبن‌اسحاق الندیم، او را از بزرگان حدیث- و نه از مجتهدان اسلام- شمرده‌اند. در واقع ابن‌حنبل به عنوان محدثی بر جسته و پیرو طریقه اصحاب حدیثه با هرگونه روش تاویلی و تفسیر متون مخالف بود و با بزرگان اصحاب رای، سر ناسازگاری داشت. وی مخالفت با سنت را بدعت می‌خواند.

آنچه مسلم است، احمدبن حنبل بیش از صد و پنجاه سال پیشوای عقاید سنتی- سلفی بود.

پس از مرگ احمدبن حنبل اندیشه‌ها و افکار وی نزدیک به یک قرن ملاک سنت و بدعت بود، تا اینکه عقاید وی و نیز سلفی‌گری تحت تاثیر انتشار مذهب اشعری به تدریج فراموش شد.

احیای سلفی‌گری توسط ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب

در قرن چهارم هجری ابو محمد حسن بن علی بن خلف بر بهاری برای احیای سلفی‌گری تلاش کرد، اما در برابر شورش مردم کاری از پیش نبرد. در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم احمد بن تیمیه و سپس شاگردان او ابن‌قیم الجوزیه و ابن کثیر عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی‌تر احیا کردند. ابن‌تیمیه به عنوان متکلم و مدافع متعصب مذهب حنبلی، با آزاد اندیشی و تاویل مخالف بود و لذا اقداماتش بیش از پیش باعث انحطاط و عقب ماندگی مذهب حنبلی شد. عصر ابن‌تیمیه، دوره انحطاط و تنزل تفکر فلسفی و استدلال منطقی و همچنین قرن روی آوردن به ظواهر دین و توجه سطحی به معارف خشک و مذهبی عنوان شده است.

در واقع، در این عصر «فقها و متکلمان قشری بعضی مذاهب- مانند مذهب حنبلی- به عنوان دفاع از دین عقاید خاص مذهبی خود، به توجیه اصول و فروع مذهب خود پرداختند و احیانا در این راه بر ضد علم و فلسفه قیام کردند. ابن‌تیمیه یکی از این کسان بود که در مذهب حنبلی قیام کرد. وی به عنوان دفاع از آن مذهب، مبارزاتی با مذاهب دیگر اسلامی می‌کرد و عقاید خود را به عنوان زنده کردن عقاید مذهب حنبلی در بسیاری از کتاب‌های خود بیان کرد.»

با مرگ ابن‌تیمیه، دعوت به سلفی‌گری و احیای مکتب احمدبن‌حنبل در عرصه اعتقادات عملا به فراموشی سپرده شد.

پس از وی مسلک و آیین وی را شیخ محمد فرزند «عبدالوهاب» نجدی که این نسبت برگرفته از نام پدر او «عبدالوهاب» است بنیانگذاری کرد و به نام مسلک وهابیت شناخته شد. به گفته برخی از دانشمندان، این که این مسلک را به نام خود شیخ‌محمد نسبت نداده و «محمدیه» نگفته‌اند، این است که مبادا پیروان این مذهب نوعی شرکت با نام پیامبر(ص) پیدا بکنند (دائرةالمعارف فرید وجدی، ج ۱۰، ص ۸۷۱، به نقل از مجله المقتطف ج ۲۷، ص ۸۹۳) و از این نسبت سوءاستفاده نمایند.

از بزرگ‌ترین نقاط ضعف برنامه زندگی شیخ همین است که با مسلمانانی که از عقاید کذابی او پیروی نمی‌کردند، معامله «کافر حربی!» می‌کرد و برای جان و ناموس آنان ارزشی قائل نبود. کوتاه سخن این که «محمدبن عبدالوهاب» به توحید دعوت می‌کرد، اما توحید غلطی که او می‌گفت. هر کس می‌پذیرفت خون و مالش سالم می‌ماند و گرنه مانند کفار حربی حلال و مباح بود. جنگهایی که وهابیان در نجد و خارج آن؛ مانند یمن، حجاز، اطراف سوریه و عراق می‌کردند، بر همین پایه بود. هر شهری که با جنگ و غلبه بر آن دست می‌یافتند بر ایشان حلال بود. اگر می‌توانستند آن را جزو متصرفات و املاک خود قرار می‌دادند و الا به غنایمی که به دست آورده بودند اکتفا می‌کردند. (جزیره العرب فی قرن العشرین، ص ۳۴۱)

محمدبن عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ (هـ.ق) در گذشت.

سلوک عارفانه

چرایی حد کفاف برای سالکین

(بدان ای سالک راه خدا!) اینکه چه مانعی دارد یک نفر، در مواردی که خدا آن را حرام نکرده به دنبال جمع کردن بیش از حد کفاف خود باشد؟ در اینجا بحث حرام نیست، بحث لذت‌های حلال بیش از اندازه است، بحث کیف‌های مشروع و التذاذات نفسانیه است. در مباحث اخلاقی و بحث‌های روانی عوامل و اسبابی برای محبت مطرح شده که عبارتند از: التذاذ و لذت بردن، مؤانست و همراهی، زیبایی و جمال. در باب دنیا، چه ابزار دنیوی و چه حیات دنیوی، عوامل ایجاد محبت به نحو شدیدی مطرح بوده و کارساز است. یعنی هم لذت بردن از ابزار دنیوی وجود دارد، هم مؤانست با ابزار دنیوی در زندگی همه هست و هم جلوه‌ها و زیبایی‌های ابزار دنیوی موجود بوده و می‌تواند محبت را در انسان ایجاد نماید، بنابراین عوامل ایجاد محبت اگر بیش از حد کفاف مورد توجه قرار گیرد، موجبات تبدیل نگرش انسان را فراهم می‌آورد و نگاه الهی انسان را به نگاه مادی و دنیوی تغییر می‌دهد و همین حب دنیا سبب مفاسد بعدی برای او خواهد شد.[1]

۱- رسائل بندگی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، ص۱۵۲